

فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت

شماره پیاپی ۶۳- دوره دوم ، شماره ۴۶- بهار و تابستان ۹۹

مقاله شماره ۶- صفحات ۱۴۳ تا ۱۵۴

ورود مستقیم کنش گران علمی و پژوهشی به عرصه اجرا

دکتر علی ذکاوتی فراگزلو

چکیده

پیشنهاد مشخص اینست که نظام پژوهش و آموزش عالی وانجمن های علمی حوزه ودانشگاه در فرآیندی قرار گیرد که علوم اجرایی شود و اجرا علمی شود و از آن به عنوان طرح میدان یاد می کنیم شامل پنج گام مداخله است؛ و سپردن کارهای اجرایی دانشگران (حوزه آموزش عالی و دانشگران وهنر مندان...) است که در مرحله اول با انگیزه های داوطلبانه صورت می گیرد. مفروض است که رجال علمی به همراهی نخبگان با همراهی دانشگران ومردم بتوانند نیازهای جامعه و فرهنگ را مطرح کنند و به دستور روز تبدیل نمایند. در جهان این راهبرد شناخته شده است که فرهیختگان دارای تحصیلات بالا سه نقش دارند: آموزش، پژوهش وخدمات اجتماعی. تعامل خلاق اختیار ومسئولیت وعلم وهنر واجرا به وساطت رجال علمی با کنشگران درونی و بیرونی نیازمند الگوی سرشار از شکوفایی، شکیبایی و فضایل و صلاحیت لازم برای مدیریت دانش، هنرمندی و توانایی اعضاء و مدیران (نخبگان علمی و مشتریان درونی) یکسو و جامعه "نخبگان سیاسی و مدیریتی و جامعه یا مشتریان بیرونی" از سوی دیگر است. با این تدبیر دوسویه انتظار می رود ظرفیت های وجودی همگان به منصب ظهور و اعتلا برسد.

واژگان کلیدی: علوم اجرایی ، پژوهش و خدمات اجتماعی، کنش گران علمی.

تعامل زنده و پایدار علم و هنر و عمل هدف اصلی طرح کنش مستقیم است. هر مجموعه و یا منظومه از جمله مجموعه پژوهش و آموزش عالی در حوزه دانشگاه برای گریز از تهدید و آشفتگی اگر فقط راهبردهای اجرایی و مدیریتی از نوع تدافعی و مصرف گرایانه را دنبال کنند از عمل و یادگیری مولد بودن و پویای محروم می مانند. در تعامل اثربخش نیاز و انگیزه به آموختن درک و تحریک و بارور می شود. سازمان های اداری و صنعتی و مردم اگر احساس کنند که برای ادامه حیات و برای رشد در یک محیط مشحون از تپش آهنگ پیشرفت و تلاش باید بیاموزند، به دنبال یادگیری روانه خواهند شد. در متون روشنفکران، استادان، معلمان و محققان در حکم کارگران فرهنگی ۱ و دانشگران ۲ هم به شمار آمده اند. کنش مداخله بسیار ظریف و خطیر است. در مورد مداخلات فرهنگی باید به آثار پنهان و نتایج و کارکردهای خودفرمان ۳ آن دقت کرد. کارکردهای خودفرمان معمولاً نتیجه «عقل سلیم» ۴ هستند که اکتفا بدان خطرناک است و باید از علم و هنر غافل نبود.

تعامل درونی و برونی کنونی دانشگاه مدیریت دانش و پژوهش تحت شرایطی می تواند امیدوار کننده باشد و آن زمانی است که همگان حس کنند نقش کم اهمیت وجود ندارد، بلکه این مسئولیت شناسی بازیگر است که درجه و مرتبت اهمیت نقش را تعیین می کند. ایجاد اکولوژی مناسب کار و اندیشه و دانش از جمله مسیر پلکانی ارتقاء شغلی و تصدی مدیریت ها، شرط مهم ایجاد زمینه و فضای ارزش گذاری به کار واقعی و کیفی و تلاش پیگیر اعضا است. مدیریت های ضد انگیزشی و قوانین و مقررات دست و پا گیر حتی ناخواسته از جوشش درونی اندیشه ها و استعدادها جلوگیری کرده، موجب بروز اختلال در ارتباطات شبکه ای درون سازمانی و برون سازمانی دانشگاه ها و حلقه های علمی می گردد. در برابر خطر جویی و اندیشه ورزی اعضا، رویکرد حمایتی مدیران متفکر هر مجموعه علمی و از جمله دانشگاه ها و حوزه ها ضرورت دارد. دانشگاه ها و حوزه ها می توانند روند فرار مغزها را به فرایند گردش مغزها تبدیل کنند و نقطه اهرمی پیشرفت - علمی و حتی آمادگی برای برنامه ۱۴۰۴ باشند. تجربیات راهبرد پیشرفت - و بهبود موزون و آرمانی حاصل قبول تنوع و تکثر مردمی و همراهی های رسانه ها، دولت و بخش غیردولتی ۵ است. دولت ها و مردم اصلاح خود و ارائه

1 - Cultural workers

2 - Knowledge workers

3. auto-functional

4. common sense

^۱. اشاره ای گذرا به دو مورد از فعالیت های غیر دولتی: هم اکنون بسیاری از مساجد متأسفانه فقط به هنگام نماز صبح و نماز مغرب فعالند و بقیه ساعات تعطیلند، عملاً این زیرساخت عظیم فرهنگی و اجتماعی مورد استفاده مردمی و همگانی نیست. همگان به این مسأله بیندیشیم که چگونه می توان از این

انواع خدمات و ایجاد فرصت شناخت، تعامل و نقد، شرایط لازم را برای استلزامات چنین توسعه‌ای فراهم می‌کنند. در هر جا که فعالیت‌های راهبرد پیشرفت- و بهبود موزون نسبتاً موفق از آب در آمده‌اند؛ پنج عنصر هم‌افزا مشاهده شده‌اند که به طور عمده غلظت معرفتی دارند و بنابراین کاری علمی- بنیادی را می‌طلبند. این عناصر عبارتند از:

۱. هم‌گرایی عمل و نظر
۲. تعامل عمل و نظر
۳. احساس فعال بودن در فرایند و مالک بودن نسبت به محصولات آن (مشارکت عمیق و همه جانبه)
۴. کاهش بیگانگی‌های اجتماعی و تنگ نظری‌ها (جامعه هدف: جامعه به دور از شیوه‌های خشن، دارای انسجام و مهربان و برخوردار از کیفیت عالی زندگی و کرامت انسانی است).

افزایش ظرفیت سازماندهی نهادی و محلی از راه همکاری دائم و آموزش دائم که مستلزم دسترسی دائم به دانش و اطلاعات و همچنین پاسخگو سازی نهادها و علاقمند سازی افراد است. چه به آموزش و پرورش و راهبردشناسی نرم‌افزاری (پژوهشگاه‌ها، انجمن‌های علمی حوزه و دانشگاه‌ها) هم مربوط می‌شود حساس شدن و مداخله مفید و مؤثر نسبت به کاهش رنج‌ها و آسیب‌های فرزندان خانواده‌هایی است که عضوی از آنان به خصوص سرپرست خانواده زندانی است. کودکان و نوجوانان دانش‌آموز خانواده‌های زندانی بی‌پناه‌ترین و بی‌دفاع‌ترین قشر محروم جامعه هستند که باید آنان را به شیوه‌ای مصلحانه و عالمانه دریافت. آنان از گفتن رنج‌های خود عاجز و یا حتی شرمسارند و سخنگو نیز ندارند. نگرانی‌ها در این زمینه بسیار است و شاید کمترین آن این است که این گروه هدف (کودکان و نوجوانان) یا به جمع بازماندگان از تحصیل تعلق دارند یا به‌زودی به آنان می‌پیوندند (امید است که سه میلیون نفر بازماندگان از تحصیل در دوره عمومی در خانواده با مشکل زندانی بودن سرپرست خود روبرو نبوده باشند).

گستره

فرهنگ باید دارای سه جنبه اساسی یعنی پذیرش جمع و گرایش فرد بودن، بالندگی، و پایداری (نسبی) باشد. این سه جنبه با جنبه کارآمدی و بعد هنری ارتباط می‌یابد. جنبه کارآمدی بدین معنی است که از لحاظ برآوردن اهداف و انتظارات نانوشته و نوشته آن مجموعه فرهنگی و ارزش‌های اعلام شده در

امکان بی‌بدیل برای ارائه خدمات مشاوره خانواده، اشتغال، تحصیل، کاهش آسیب‌ها، هنر و ادب، علم و ارتقاء سطح فرهنگ عمومی استفاده کنیم. اقدام دیگر حساس کردن برنامه‌ریزان، پژوهشگران، دانشگاهیان، متولیان و هیأت امنای مساجد، انجمن‌ها، رسانه‌ها به خصوص رسانه ملی، سازمان حج و اوقاف، علاقمندان به امور خیریه و زیارات مستحی (هر ساله حدود ۶۰۰ هزار حج مستحی انجام می‌شود در حالی که جمعیت سالانه در گردش زندان‌ها نیز مشابه همین رقم است) و پرداخت فطریه و ...، نسبت به فوریت و ضرورت این قبیل مسائل است.

هنجارهای همان فرهنگ توانا باشد. بعد هنری به مایه اصلی هنر یعنی زیبایی اشاره دارد. مثال معروف در این زمینه سبک‌ها و الگوهای مسلط و رایج کنونی است که از دیدگاه داد و ستد با طبیعت و محیط زیست پیرامونی، دیگر کارآمدی ندارند و زیبا هم نیستند.

فرهنگ‌ها و حتی وقایع سیاسی بر ساختار یادگیری و روش تحقق آن تأثیر زیادی دارند. یادگیری مجموعه‌های علمی ممکن است به واسطه مقاومت و رویه‌های غیر مولد محدود شود و کارایی آن‌ها کاهش یابد. در مقابل تهدیدها و موقعیت‌هایی که باعث آشفتگی زندگی عادی می‌شوند، فرهنگ‌های سازمانی مجموعه‌های علمی برای گریز از تهدید و آشفتگی راهبردهای تدافعی را دنبال می‌کنند و از یادگیری دوری می‌کنند. این موضوع بدان معنا است که اعضاء مجموعه را برای رویه‌های گریز از عملکرد آماده می‌سازند.

به گفته محقق، انجمن‌ها سابقاً کارکرد مبارزه جویانه داشتند اما اکنون وسیله رشد خودکاو می‌اند. در فرانسه ۷۰۰۰۰۰ و در آمریکا بیش از این تعداد انجمن در عرصه فرهنگی، علمی، ورزشی و پژوهشی وجود دارد. به نقل از روزنامه لوموند هر ساله ۶۰۰۰۰ انجمن جدید به ثبت می‌رسد (کتبی، ۱۳۸۳: ۲). باید به سخن این استاد محقق افزود که علاوه بر آن کارکردها، کار انجمنی و به ویژه گونه علمی شبکه‌ای، بخشی از کوشش عظیم برای کاهش آپارتاید علمی و فنی جهان امروز محسوب می‌شود. تجربیات راهبرد پیشرفت- و بهبود موزون و آرمانی حاصل قبول تنوع و تکثر مردمی و همراهی‌های رسانه‌ها، دولت و بخش غیردولتی است. دولت‌ها و مردم اصلاح خود و ارائه انواع خدمات و ایجاد فرصت شناخت، تعامل و نقد، شرایط لازم را برای استلزامات چنین توسعه‌ای فراهم می‌کنند.

افزایش ظرفیت سازماندهی نهادی و محلی از راه همکاری دائم و آموزش دائم که مستلزم دسترسی دائم به دانش و اطلاعات و همچنین پاسخگو سازی نهادها و علاقمند سازی افراد است. - تأثیرگذاری و وسعت نفوذ (مانند معلمان و دانشجویان) ۲- انواع نیازها و نیز امکانات تصعید هیجان‌ها و عواطف و پربارسازی

۱. اشاره‌ای گذرا به دو مورد از فعالیت‌های غیر دولتی: هم اکنون بسیاری از مساجد متأسفانه فقط به هنگام نماز صبح و نماز مغرب فعالند و بقیه ساعات تعطیلند، عملاً این زیرساخت عظیم فرهنگی و اجتماعی مورد استفاده مردمی و همگانی نیست. همگان به این مسأله بیندیشیم که چگونه می‌توان از این امکان بی‌بدیل برای ارائه خدمات مشاوره خانواده، اشتغال، تحصیل، کاهش آسیب‌ها، هنر و ادب، علم و ارتقاء سطح فرهنگ عمومی استفاده کنیم. اقدام دیگر حساس کردن برنامه‌ریزان، پژوهشگران، دانشگاهیان، متولیان و هیأت امنای مساجد، انجمن‌ها، رسانه‌ها به خصوص رسانه ملی، سازمان حج و اوقاف، علاقمندان به امور خیریه و زیارات مستحبی (هر ساله حدود ۶۰۰ هزار حج مستحبی انجام می‌شود در حالی که جمعیت سالانه در گردش زندان‌ها نیز مشابه همین رقم است) و پرداخت فطریه و ... نسبت به فوریت و ضرورت این قبیل مسائل است.

اوقات سربازان در پادگان‌ها زندان‌ها خوابگاه‌ها و شبانه‌روزی‌ها /شبه خانواده‌ها ۳- « نیاز خاموش » خانواده‌های زندانیان به ویژه کودکان و نوجوانان بی دفاع و بی سخنگو و محروم از کنشگری ۴- پتانسیل- های مالی و معنوی و علمی کمتر استفاده شده در ایرانیان مهاجر ۵- زنان سرپرست خانواده

به هر نسبت که علمی بودن و هنرمندانه بودن تصمیم‌ها از یکسو، اجرایی بودن علوم از سوی دیگر، مختل و مخدوش و ناهم‌افزا شود شکاف نخبگان و مردم، توسعه ناموزون، ضعف در پیوند عمل و نظر، ضعف در پیوند اختیار و مسئولیت (و افزایش پرونده‌های قضایی، تبعیض، فقر، بیگانگی اجتماعی، کمبود کارایی در بوروکراسی و کژکارکردهای بعضی حوزه‌ها تورم مزمن و مداوم، مهاجرت سیل‌آسای نخبگان، مسایل خانواده‌ها، جرم، نزول سن آسیب‌های اجتماعی و اعتیاد)، ممکن است که در مجموع صعود به مراحل عالی پیشرفت- را دشوارسازد. ساختار هم‌افزایی و یادگیری و روش تحقق آن گسترش و نفوذ شبکه‌های مجازی دارای دو کارکرد متعارض مثبت و منفی است و تأثیرگذاری ممکن است به واسطه مقاومت و رویه‌های غیر مولد و توافقی محض محدود شود در مجموعه‌های اجرایی نیز عملزدگی و اجرا زدگی برنامه‌ها و کارها را از نشاط و نوجویی و مولدیت و زاینده‌گی باز دارد و یا به عکس مدیریت عالمانه شکیبایانه و هنرمندانه موانع را به منابع پیشرفت تبدیل کند. تصمیم و اقدام برای بهسازی وضع موجود و ارتقای پیشرفت- اجتماعی با یاری گرفتن از نهادهای دانش، شناخت گران و " کارگران فرهنگی " در مسیر علمی ساختن اجرا و نیز اجرایی ساختن علوم در طرحی بنام طرح میدان است. رشد کمی و کیفی نظام آموزش و پرورش در مسیر رفت و برگشتی بین محصول، برون داد، پیامد مصرف کنندگان و ذی نفعان است... و مقدرات و امکانات یکدیگر را گسترش خواهند داد و تعادل ارزش‌های ابزاری (ثروت و قدرت) با ارزش‌های ذاتی و عقلانیت تفاهمی خواهد شد. تعارض درون نخبگان و جامعه کاهش خواهد یافت و هم‌زمان وفاق اجتماعی عمق نسبی خواهد یافت یعنی شکاف بین بخش رسمی و غیر رسمی جامعه کاهش می‌یابد و امکان شکل‌گیری هویت و شخصیت عزتمند - که از چالش‌های پیچیده است - افزایش خواهد یافت.

انتظار بیشینه از کنش مسقیم یا طرح میدان از راه ورود آن به گستره‌های اخلاق و دین اینست در نهایت کمک کند تا دوانگاری میان فرهنگ مادی و معنوی (فرا مادی) و شکاف آرمان‌ها و ضرورت‌ها به تخصم نیانجامد. برای کاهش تخصم کارکرد نهادها باید معطوف به تامین حداکثر منافع برای حداکثر گروه‌های اجتماعی و ذینفعان ۱ باشد. در عین حال حقوق گروه‌های خارج از این اکثریت ۲ محفوظ باشد و در تله خاص گرای، قبیله‌گرایی و فرقه‌گرایی گرفتار نشود. قانون واقع بینانه باشد و حدود مداخله را روشن کند.

¹ - Stake holders

² - Excluded others

در این صورت است که امکان سازگاری فعال و تعامل سازنده جامعه و دانشگاه وانجمن ها فراهم می‌آید. رویکردهای کلی ما راجع به پیشرفت- علمی بر پایه اخلاق و معنویت، عدالت، و سلامت و نشاط و کارآمدی است. به این معنی که حاصل برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و همینطور مقاومت در مقابل آن برنامه‌ریزی‌های اجتماعی یا بالعکس هماهنگی‌هایی که با آن برنامه‌ریزی‌های اجتماعی وجود داشته است چه بوده است.

مهم‌ترین راهبردهای پیشنهادی به شورای انقلاب فرهنگی، ستاد کل نیروهای مسلح (پربار ترسازری و کاربردی تر سازی آموزش افراد زیر پرچم /سالانه ۷۰۰۰۰۰ نفرند و نیز قبول انجمن های علمی حوزه و دانشگاه به عنوان محل خدمت دانشاموختگان حوزه ودانشگاه (سامانه‌های مرتبط با ریاست جمهوری) قبول انجمن های علمی حوزه ودانشگاه به عنوان محل خدمت دانشاموختگان حوزه ودانشگاه) وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، سازمان بهزیستی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و نظام پژوهش و آموزش عالی، وزارت‌های آموزش و پرورش، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تعامل با راهبردشناسی نرم‌افزاری (حوزه های علمیه پژوهشگاه‌ها، دانشگاه‌ها و انجمن‌های علمی) شامل مواردی است که می‌توانند در لوایح پیشنهادی از طرف دولت یا طرح‌های پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی، در برنامه سند چشم انداز راهبرد پیشرفت- و بهبود بیست ساله کشور، و شوراهای مهمی مانند شورای انقلاب فرهنگی، شورای سیاست‌گذاری علمی کشور، نقشه علمی کشور، به گونه‌ای مؤثر مورد ملاحظه قرار گیرد.

در سند چشم‌انداز، برنامه‌های پنج ساله و حتی شعارهای انتخاباتی کاندیداها حمایت از پیشرفت- علمی مطرح شده است. اما آگاه باید بود که عوامل محیطی از جمله خصوصی شدن اقتصاد یا به عکس رانت دولتی ممکن است سبب شود که جانب پیشرفت- علمی، عدالت و اخلاق رها شود. در این حالت به دانشگاه‌ها باید کمک کرد تا دوام توسعه انسانی را تضمین کنند.

تعامل درونی و برونی کنونی دانشگاه مدیریت دانش و پژوهش تحت شرایطی می‌تواند امیدوار کننده باشد و آن زمانی است که همگان حس کنند نقش کم اهمیت وجود ندارد، بلکه این مسئولیت شناسی بازیگر است که درجه و مرتبت اهمیت نقش را تعیین می‌کند. ایجاد اکولوژی مناسب کار و اندیشه و دانش از جمله مسیر پلکانی ارتقاء شغلی و تصدی مدیریت‌ها، شرط مهم ایجاد زمینه و فضای ارزش‌گذاری به کار واقعی و کیفی و تلاش پیگیر اعضاء است. مدیریت‌های ضد انگیزشی و قوانین و مقررات دست و پا گیر حتی ناخواسته از جوشش درونی اندیشه‌ها و استعدادها جلوگیری کرده، موجب بروز اختلال در ارتباطات شبکه‌ای درون سازمانی و برون سازمانی دانشگاه‌ها و حلقه‌های علمی می‌گردد. در برابر نوجویی (که ممکن است خطر جویی تعبیر شود) و اندیشه ورزی اعضاء، رویکرد حمایتی مدیران متفکر هر مجموعه علمی و از جمله

دانشگاه‌ها و حوزه‌ها ضرورت دارد. دانشگاه‌ها و حوزه‌ها می‌توانند روند فرار مغزها را به فرایند گردش مغزها تبدیل کنند و نقطه اهرمی پیشرفت- علمی و حتی آمادگی برای برنامه ۱۴۰۴ باشند. تجربیات راهبرد پیشرفت- و بهبود موزون و آرمانی حاصل قبول تنوع و تکثر مردمی و همراهی‌های رسانه‌ها، دولت و بخش غیردولتی^۱ است. همکاری عرصه علم و اجرا و از جمله دولت‌ها و مردم فرصت ابتکار و اصلاح خود و ارائه انواع خدمات و، تعامل و نقد، استفاده از برنامه ریزی متمرکز و غیرمتمرکز شرایط لازم را برای استلزامات چنین توسعه‌ای فراهم می‌کنند.

افزایش ظرفیت سازماندهی نهادی و محلی از راه همکاری دائم و آموزش دائم که مستلزم دسترسی دائم به دانش و اطلاعات و همچنین پاسخگو سازی نهادها و علاقمند سازی افراد است. چه به آموزش و پرورش و راهبردشناسی نرم‌افزاری (پژوهشگاه‌ها، انجمن‌های علمی حوزه و دانشگاه‌ها) هم مربوط می‌شود حساس شدن و مداخله مفید و مؤثر نسبت به کاهش رنج‌ها و آسیب‌های فرزندان خانواده‌هایی است که عضوی از آنان به خصوص سرپرست خانواده زندانی است. کودکان و نوجوانان دانش‌آموز خانواده‌های زندانی بی‌پناه‌ترین و بی‌دفاع‌ترین قشر محروم جامعه هستند که باید آنان را به شیوه‌ای مصلحانه و عالمانه دریافت. آنان از گفتن رنج‌های خود عاجز و یا حتی شرمسارند و سخنگو نیز ندارند. نگرانی‌ها در این زمینه بسیار است و شاید کمترین آن این است که این گروه هدف (کودکان و نوجوانان) یا به جمع بازماندگان از تحصیل تعلق دارند یا به‌زودی به آنان می‌پیوندند (امید است که سه میلیون نفر بازماندگان از تحصیل در دوره عمومی در خانواده با مشکل زندانی بودن سرپرست خود روبرو نبوده باشند).

گستره

فرهنگ باید دارای سه جنبه اساسی یعنی پذیرش جمع و گرایش فرد بودن، بالندگی، و پایداری (نسبی) باشد. این سه جنبه با جنبه کارآمدی و بعد هنری ارتباط می‌یابد. جنبه کارآمدی بدین معنی است که از لحاظ برآوردن اهداف و انتظارات نانوشته و نوشته آن مجموعه فرهنگی و ارزش‌های اعلام شده در هنجارهای همان فرهنگ توانا باشد. بعد هنری به مایه اصلی هنر یعنی زیبایی اشاره دارد. مثال معروف در

^۱. اشاره‌ای گذرا به دو مورد از فعالیت‌های غیر دولتی: هم اکنون بسیاری از مساجد متأسفانه فقط به هنگام نماز صبح و نماز مغرب فعالند و بقیه ساعات تعطیلند، عملاً این زیرساخت عظیم فرهنگی و اجتماعی مورد استفاده مردمی و همگانی نیست. به این مسأله بیندیشیم که چگونه می‌توان از این امکان بی‌بدری برای ارائه خدمات وسیع و مؤثر مشاوره خانواده، اشتغال، تحصیل، کاهش آسیب‌ها مثلاً تکدی‌زدایی، هنر و ادب، علم و ارتقاء سطح فرهنگ عمومی استفاده کنیم. اقدام دیگر حساس کردن برنامه‌ریزان، پژوهشگران، دانشگاهیان، متولیان و هیأت امنای مساجد، انجمن‌ها، رسانه‌ها به ویژه رسانه ملی، سازمان حج و اوقاف، علاقمندان به امور خیریه و زیارات مستحبی (هر ساله حدود یکمیلیون حج مستحبی انجام می‌شود در حالی که جمعیت سالانه در گردش زندان‌ها نیز مشابه همین رقم است) و پرداخت فطریه و ...، نسبت به فوریت و ضرورت این قبیل مسائل است.

این زمینه سبک‌ها و الگوهای مسلط و رایج کنونی است که از دیدگاه داد و ستد با طبیعت و محیط زیست پیرامونی، دیگر کارآمدی ندارند و زیبا هم نیستند.

فرهنگ‌ها و حتی وقایع سیاسی بر ساختار یادگیری و روش تحقق آن تأثیر زیادی دارند. یادگیری مجموعه‌های علمی ممکن است به واسطه مقاومت و رویه‌های غیر مولد محدود شود و کارایی آن‌ها کاهش یابد. در مقابل تهدیدها و موقعیت‌هایی که باعث آشفتگی زندگی عادی می‌شوند، فرهنگ‌های سازمانی مجموعه‌های علمی برای گریز از تهدید و آشفتگی راهبردهای تدافعی را دنبال می‌کنند و از یادگیری دوری می‌کنند. این موضوع بدان معنا است که اعضاء مجموعه را برای رویه‌های گریز از عملکرد آماده می‌سازند.

مقدمه

هدف از طرح میدان در این نوشته بیان شرایط وانگیزه‌های متفاوت حرکت در مسیر پرکردن شکاف «اجرای کردن علوم و علمی کردن اجرا در و کشور است». ظاهراً رویکردهای متعددی آزموده شده است اما "اقدام مستقیم" به شرحی که در این نوشته آمده و در عین مسئولیت‌پذیری نیروهای علمی پژوهشی و نهادهای شناخت‌گر تازگی دارد. مفروض است که اکولوژی دانش و اکولوژی اداری، اجرایی و اجتماعی می‌توانند سیر ارتقایی طی کنند. در شرایط کنونی دستگاه‌های برنامه‌ریزی نیز ممکن است پژوهش‌ها و ارزشیابی‌ها را فاقد جنبه‌های کاربردی و توسعه‌ای و راهبردی تلقی کنند. دستگاه‌های اجرایی نیز خود را از پژوهش و ارزیابی و برنامه‌ریزی تقریباً بی‌نیاز یانسبت به سودبخشی فوری آن و با اصولاً به امکان کاربردی شدن آن با تردید بنگرند و اجرای دستور مدیران را بهترین طریق برای ادامه دادن به کار بی‌دردسر و مسئولیت‌گریزانه می‌شمارند. دانشگران ممکن است بگویند نتایج پژوهش‌ها، ارزشیابی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها چنان است که فقط بخشی از پیچیدگی‌ها را فهرست می‌کنند و راه‌حل‌ها برآمده از نتایج پژوهش و ارزشیابی نیست. و ناقدان ممکن است بگویند در برنامه‌ریزی‌ها باید نسبت کافی از دسترسی به اطلاعات، شفافیت، مشارکت، قانون‌محوری، پاسخگویی^۱ ظرفیت سازماندهی محلی و نسبت معقولی از غیر متمرکز بودن مد نظر باشد، اما باید توجه کرد که "اطلاعات" فقط کمی نیستند مشارکت و قانون‌محوری، از راه امریت و تشخیص یکجانبه حاصل نمی‌شوند. هرگاه همه فرایندهای برنامه‌ریزی، اجرا، نقد و ارزش‌یابی و حتی پژوهش در قبضه انحصاری و داوری نهایی قدرتهای دیوان سالارانه مدیریتی (و کمترمتکی بر نیروهای شناخت‌گر یا قضاوت عادلانه) بوده باشد، آنگاه ممکن است همه کشگران خود را جدی نگیرند و از کار و مسئولیت بیگانه شوند. این مداخله آمرانه، یکسونگرانه نمی‌تواند عاقلانه و هنرمندانه باشد.

¹ Accountability

مناسبت و ضرورت طرح میدان آن است که در این حالت علم به سوی اجرا و اجرا به سوی علم حرکت کنند. با فرض ارتقای انگیزه تعامل صبورانه، خردمندانه و هنرمندانه^۱ میان حوزه نظریه، تحقیق، ارزشیابی، برنامه ریزی و قانونگذاری، اجرا، مدیریت، تصمیم گیری و مداخله امید است تغییری در مسیر ارتقای اکولوژی دانش و اکولوژی اداری، اجرایی و اجتماعی روی می دهد. کاربرد علم و تصمیم گیری و مداخله کنش گران علمی و پژوهشی در عرصه های واقعی دنیای موجود و ممکن زندگی (جاری و آینده) مستقیم، صریح، روان و بی واسطه صورت می گیرد و متقابلاً یافته های اصیل، بکر و تازه ای به عرصه های نظری روانه می شود. بر اساس این پیشنهاد و برنامه، مسئولیت مستقیم موسسات و نهادها و سازمان هایی به انجمن های علمی، پژوهشگرها و دانشگاه ها برحسب انگیزه های داوطلبانه آنان برای مدتی معین واگذار می شود و پس از ارزیابی های ضروری و بررسی مداوم امکان تصحیح و بهبود مستمر روشها و فرایندها این برنامه متوقف می شود و یا ادامه می یابد. مثلاً مسئولیت اداره یک منطقه آموزشی یا مجموعه وباشگاه ورزشی مشترکاً به یک انجمن درحوزه تعلیم و تربیت و آموزش و انجمن تربیت بدنی و همچنین مسئولیت اداره یک زندان مشترکاً به انجمن مددکاری اجتماعی و تعلیم و تربیت ... و مسئولیت اداره یک مجتمع اداری به انجمن مدیریت و مسئولیت اداره یک مجموعه اقتصادی به انجمن اقتصاد سپرده می شود. در اینجا می توان برحسب انگیزه به جای انجمن علمی یک پژوهشگر یا پژوهشگاه یا دانشکده و دانشگاه را نیز مطرح کرد. مفروض این نوشته این است که جدایی هر گونه تصمیم و اقدام از دنیای موجود و ممکن هم ممکن است سبب بروز نتایج ناقص و هم سبب بروز کارکردهای ناخواسته باشد. مفروض دیگر اینکه انگیزه اصلی ماشه چکان یا نقطه عزیمت^۲ و خیز^۳ رشد تعامل خلاق عرصه های اجتماعی اقتصادی و فرهنگی حضور موثر و نه فقط رهبری نهادهای شناخت گر و دانشگران^۴ است. مفروض دیگر این نوشته این است که هرگاه هم انگیزه دسترسی روان تر کنشگران علمی (اصحاب نظر و پژوهش دانشگاه) به دنیای واقعی و موجود و ممکن محیط و هم انگیزه عاملان و کارگزاران فرصت، مهارت و توانش بیشتر برای بهره مندی از عالم نظر، پژوهش و ارزشیابی همواره پیش رو باشد نتیجه پربارتر خواهد شد. این تعامل همچنین ساختارهای مرتبط را تعریض و نقاط خلا و امکان را تدارک خواهد دید.

مفروض دیگر این است که علم کارآمد علمی است که حتی اگر مستقیماً از داده ها و یافته های تجربی

¹ Artisanal

² trigger point

³ Take off

⁴ knowledge worker

وعینی واقعیات برگرفته نشده باشد در ادامه نمی تواند از آن بی نیاز بماند یا همچنین واقعیات و انتظارات اجتماعی نمی توانند از علم بی نیاز باشند. پس انگیزه تعامل عمل و نظر و امر اجرایی با امر علمی اگر نه همیشه اما ترجیحاً مفروض است. برای حصول "کارایی"، هر گزینه‌ی پیشنهادی، باید آن قدر پرورده، ظریف و نیرومند (باتوجه به حداقل دوازده شرط که رابطه نظام مبادله درکشگر-ساختار وزمینه و هدف را نشان می‌دهد) باشد که نظام ایجابی مبادله رضامندی جدید به شکل، دانش، بینش و عملکرد و مهارت ایجاد و فعال شود (کنش موجه). هدف طرح میدان افزون برحصول کارایی و "اثربخشی"، بلکه ارزش‌های کیفی فرا مادی و ماورای عقلانیت ابزاری هم هست. یکی از جزم‌ها پارادایم‌های مسلط ومدل‌های توسعه دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی بود: این مدل‌ها برآمده از رویکردی بود که باری از جزم اندیشی مثلاً تک خطی بودن در خود پنهان داشت. گذشته از سازمان ملل بسیاری از مصلحان و نیز انقلابیون و تجددخواهان هم به انگیزه‌هایی از دخمه تنگنای فقر، مسکن و درماندگی این مدل‌ها را به جان پذیرفتند و جداً توصیه و گاه تحمیل کردند. البته همواره روشن فکران و هنرمندانی و فیلسوفانی بودند که با انگیزه‌هایی دیگر با پارادایمی فرا اقتصادی^۱ نقد می‌کردند. امروزه تقریباً همگان قبول کرده‌اند که این مدل‌ها گرفتار جزم‌هایی هم بوده است. مدل‌های جدید که نیم‌نگاهی به ساختار-سازی اجتماعی کلان^۲ دارد، بر اساس بهزمامداری^۳ و نیز فناوری پاکیزه^۴، فناوری آسمان آبی، اقتصاد سبز، توسعه پایدار و HSE^۵ شکل می‌گیرد و شامل بعد سلامت، ایمنی، و حفظ محیط زیست است این فرایند پیچیده مستلزم ارزشیابی توانمندساز^۶ جبران و ترمیم غفلت‌ها و جزم‌های پیشین یعنی جرئت دانستن و برگشت پذیری است. انتظار می‌رود اقتصاد دانش بنیان بتواند در این زمینه هامددرسان باشد. در این نوشته مفروض چنین است که اقتصاد ایران دروضع کنونی هم بتواند ازراه حرکت متقابل به سوی علوم وعلوم به طرف امور اجرایی کارمهمی شدمی شود.

ناقدان ازنگاه‌های متفاوت مثلاً نگاه وانتظارات ناقد اقتصادی،فناوری،بین رشته ای برنامه ریز،هنرمند،روشنفکر، وفیلسوف هم ممکن است وارد بحث شوندو وپرسند آیا آنچه تا کنون انجام شده، عاقلانه بوده و چرخه درستی در پژوهش در برنامه ریزی و در اجرا و ارزشیابی داشته ایم؟ هرگاه این چرخه‌ها از هم جدا عمل کنند؛ برنامه‌ریز برای خود کار کند و نقطه اتصالی به چرخه پژوهش نداشته و برنامه

¹ Para-economics

² Macro-social constructionism

³ good governance

⁴ Clearing technology

⁵ Health, Safety, Environment

⁶ Empowering evaluation

ریزی هم با چرخه اجرا وقانون گرایی پیوند نگیرد ممکن است بیگانگی ها افزایش یابند. حل مشکلات ستادهای برنامه ریزی ، مراکز تحقیقاتی ، کانون های تصمیم گیری ها، اجرای عملیاتی وارزشیابی (این پنج حوزه ومیدان) نیاز به همکاری وهم افزایی دائم دارند.

اقدام عاقلانه و هنرمندانه، تعاملی است هم افزا در روند توانمند سازی بهسازی، ترمیمی و تکمیلی در دنیای موجود و ممکن (و نه فقط دنیا ایده آل و آرمانی). طرح میدان تدابیر نظری و عملی است برای برانگیختن وسازماندهی نقش مکمل، توانمندساز، هم افزا و تصحیحی راه گشای چرخه های: الف) پژوهش ، ب) برنامه ریزی ج) تصمیم گیری (مدیریت)، د اجرای عملیاتی ه) ارزشیابی. به طوری که به گسترش فضاهای ساختاری وادراک عمومی و فرصت تفکر و ابداع منجر شود، بین عمل و نظر و اختیار و مسوولیت رابطه موزون برقرار کند و تقابل های فرساینده را کاهش دهد و تعامل های سازنده را افزایش بخشد. تکیه اصلی آن سرمایه اقتصادی نیست، بلکه برانگیختن همکاری ها ورویکرد ایجابی نسبت به ارتقای "دنیای ممکن" وسرمایه اجتماعی است. پایه تدابیر، طرح میدان است وبا انگیزه نوآوری ونوجویی جنبه های انضمامی و کالبدی، ساختارهای ذهنی و ساختارهای عمیق را نیز مد نظر دارد و در عرصه های مسوولیت های محوله به انشاء و ابداع نیز می پردازد اما از تغییرات تکان دهنده و ساختار شکن و بیگانه ساز^۱ پرهیزی کند. راه حل های متعارف، سرمایه طلب، دیوان طلب، بروکراسی طلب، آمرانه و یکسویه است. از لحاظ برنامه ریزی الگوهای توافقی^۲ نسبت به الگوهای فنی^۳ و صرفا سیاسی بخت موفقیت بیشتری دارند در شبکه^۴، جستجوی نقاط اهرمی نظام چند معنایی کنشگران و حداکثر سازی یادگیری دائم و همکاری دائم و سر انجام واتتلاف برکانون های مثبت وایجابی است(مثلا به جای رییس و مرئوس و آمر و مامور، همکاران برنده - برنده می- نشیند). از لحاظ مدیریتی به مصادیق " اداک کراسی"^۵ ورهبری تحولی^۶ و به سازوکار ارشادی^۷ در جستجوی انگیزش و فعال سازی شبکه ها با رویکردی ایجابی وتوانمندساز به مدیریت انطباقی^۸ می توان اشاره کرد که در آن شناختگران بااحساس شایستگی وافتخار، مفید بودن، واستقلال توام بامسئولیت گاه حتی بدون برنامه ریزی قبلی می توانند به هم افزایی خلاق غیر سلسله مراتبی دست یابند. ازلحاظ "سازمان

¹ Alienant

² Consus models

³ Technical models

⁴ Matrix

⁵ adhocracy

⁶ Transformatioal leadership

⁷ Indicative mechanism

⁸ Adaptive management

اجتماعی علم" بایدگفت که سازمان اجتماعی علم امری است که عالم با آن تعامل دائم دارد. مفروض است که استلزامات ساختاری کار احساس صلاحیت، احساس عدالت^۱، موثر بودن، مفید بودن، مولد بودن و پیوندجویی کنشگران سبب می شود که کنشگران نقش خود را کم اهمیت نیابند، این مسئولیت شناسی و تلاش بازیگر است که درجه و مرتبت اهمیت نقش و نیز نشاط اجتماعی^۲ را تعیین می کند. هم در علم و هم در اجرا، کمبود استلزامات ساختاری کار سر انجام احتمالا موجب اهمال کاری^۳ و "سندرم مصرف زدگی"^۴ می شود و ضروری است که درمان شود. تلفیق و هم افزایی این دو فرایند نشاط، کاری هنرمندانه است.

کار هنرمندانه و هنری چنان است که سطوح مختلفی از معرفت، فهم های ذی نفعان گوناگون (و حتی بزرگانی از شرق و غرب، از مذاهب و فرهنگ های گوناگون عرفان و علم و هنر) را در کنار هم قرار می دهد و برای هم قابل فهم می سازد و بین آنان همدلی می آورد. این هنر، ضد عقل و ضد علم نیست، هنر کوشش برای شناخت همدلانه و گاه بیواسطه جهان است انسانها با هنرمندی شناخت خود را «برمی سازند» یعنی می آفرینند. (علمای نوآور نیز چنین اند). بر ساختن یا خلق، نیاز به آزادی و رهایی از پارادایم مسلط تک معنایی، کلیشه ها و جزمها دارد. منظور از «عاقلان» جنبه های کمی امور است که از بعد کارکرد کارایی فنی و ابزاری وفاق بر سر آنها معمولا دسترسی پذیر است زیرا ماهیت انضمامی، ملموس، شفاف، پیش بینی پذیر، کمی و با هدف های از پیش تعیین شده^۵ اند. در نگاه اول به نظر می رسد عقل بیشتر با کمیات استدلال و هنر بیشتر با کیفیات و عواطف سر و کار پیدا کند. منظور از هنر، کیفیتی برساخته و برآمده از تعامل و تلفیق و ترکیب عمل و نظر، واکنش رسمی و آشکار با دانش غیر رسمی ضمنی و پنهان است. اما منظور از هنر جنبه-ی کیفی و چند معنایی است که دسترسی به فهم مشترک بر سر آنها دشوار است. عقل و هنر با هم تعامل و نیز با عمل (و نه فقط رفتار) تعامل دائم دارند. علم و هنر هر یک توانایی خاص خود را دارند.

منبع:

آزاد ارمکی، تقی، حسن جاوشیان، "بدن به مثابه رسانه هویت" *مجله جامعه شناسی ایران*، شماره چهار زمستان ۱۳۸۱.

آشوری، داریوش (۱۳۸۸) *پرسه و پرسش* تهران: آگاه.

بیمن، ویلیام (۱۳۸۱) *زبان، منزلت و قدرت در ایران* ترجمه غلامرضا ذوقدار مقدم، نشر نی.

دورکیم، امیل (۱۳۶۹). *تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، نشریابل.

شریعتمداری، علی: "تفکر و تفکر انتقادی و تفکر خلاق". *فصلنامه علمی فرهنگی فرهنگستان علوم*، تهران، ۱۳۷۹.

- ¹ Equity
- ² Social pep
- ³ Procrastination
- ⁴ Syndrome of consumoxication
- ⁵ Technical efficiency
- ⁶ Pre-constructed